



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۲ دیماه ۱۳۹۱

مصادف با: ۸ صفر ۱۴۳۴

جلسه: ۱۵

موضوع کلی: تحریف در قرآن

موضوع جزئی: ادله عدم تحریف - کتاب (آیه دوم)

سال: سوم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در ادله عدم تحریف در قرآن بود، عرض شد به ادله اربعه برای اثبات عدم تحریف در قرآن استناد شده است که ما به دلیل اول یعنی کتاب اشاره و در این زمینه یک آیه را ذکر و بررسی کردیم.

**آیه دوم:** «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛ خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: ما قرآن را نازل کردیم و آن را حفظ خواهیم کرد. این آیه به همراه تأکیداتی که در آن وارد شده بر حفظ قرآن از همه اموری که ممکن است به قرآن آسیب بزند از جمله تحریف و تغییر در قرآن دلالت می‌کند لذا به استناد این آیه می‌گوییم قرآن تحریف نشده و تحریف هم نخواهد شد. بر استدلال به این آیه اشکالاتی شده از جمله اشکالاتی که محدث نوری در کتاب فصل الخطاب ایراد کرده است که ما آنها را ذکر و بررسی می‌کنیم.

#### اشکال اول:

این آیه قابل استدلال نیست چون در این آیه احتمال دیگری هم وجود دارد و آن این که مراد از ذکر، رسول خدا (ص) باشد. استدلال به این آیه بر عدم تحریف متوقف بر این است که منظور از ذکر قرآن باشد لکن اگر مراد از ذکر در این آیه رسول خدا (ص) باشد یا حداقل احتمال این باشد که منظور از ذکر رسول خدا (ص) است در این صورت استدلال به این آیه مخدوش می‌شود. در قرآن کریم لفظ ذکر در مواردی بر رسول خدا (ص) هم اطلاق شده و این چنین نیست که احتمالی بدون پشتوانه باشد. محدث نوری در تبیین اشکال به استدلال به این آیه می‌فرماید: همه اتفاق دارند بر اینکه تا زمانی که نص صریح بر بیان مراد از قرآن وارد نشده باشد نمی‌توان به متشابهات قرآنی تمسک کرد، پس در اینکه اگر آیه‌ای متشابه باشد نمی‌توان به آن استناد کرد همه اتفاق نظر دارند و در اینجا هم این آیه از اقسام متشابهات است، از جمله موارد متشابه مشترک لفظی یا معنوی است یعنی چنانچه در آیه‌ای یک لفظ مشترک استعمال شود، اگر مشترک لفظی باشد بدون قرینه معینه بعضی از افراد آن تعیین پیدا می‌کند و اگر مشترک معنوی باشد در صورتی که یقین داشته باشیم قدر مشترک از آن اراده نشده بلکه یکی از افراد و مصادیق اراده شده و قرینه معینه‌ای هم در کار نباشد سبب می‌شود آیه از اقسام متشابهات محسوب شود و این امری است که همه بر آن اتفاق دارند. در اینجا هم لفظ «ذکر» در این آیه آمده لکن این کلمه در موارد زیادی در قرآن بر رسول خدا (ص) اطلاق شده و احتمال دارد که منظور از ذکر در این آیه هم رسول خدا (ص) باشد که در این صورت معنای آیه عبارت است از

اینکه خداوند متعال می‌فرماید: ما رسول خدا (ص) را فرستادیم و حافظ او هستیم که معنای این آیه بر وزان آیه شریفه «بَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»<sup>۱</sup> این می‌شود که خداوند می‌خواهد بگوید ما تو را از مردم حفظ می‌کنیم. پس به واسطه اراده معانی مختلف از ذکر در قرآن حداقل این احتمال وجود دارد که مراد از «ذکر» در این آیه رسول خدا (ص) باشد لذا این آیه از اقسام متشابه بوده و قابل استناد نیست.<sup>۲</sup>

**ان قلت:** محدث نوری به یک اشکال مقدر هم جواب می‌دهد، و آن این که ممکن است گفته شود ذکر تنزیل در آیه شاهد بر این است که مراد از «ذکر» رسول خدا (ص) نیست؛ چون خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «انا نحن نزلنا الذکر» که تنزیل مناسب با رسول خدا (ص) نیست چون رسول اکرم (ص) نازل نشده بلکه مبعوث به رسالت شده است پس ممکن است به ذهن کسی خطور کند که ذکر «نزلنا» در این آیه شریفه قرینه بر این است که منظور از «ذکر» کتاب است.

**قلت:** ذکر «نزلنا» در آیه شریفه قرینه بر اینکه مراد از «ذکر» در این آیه قرآن است نیست چون در آیه دیگری آمده «انا انزلنا الیکم ذکراً رسولاً» که در این آیه «انزلنا» در مورد رسول بکار رفته و رسول هم عطف بیان برای ذکر است پس این آیه نمی‌تواند بر حفظ قرآن از تحریف دلالت کند.

**ان قلت:** اینکه منظور از حفظ در این آیه، حفظ رسول باشد صحیح نیست چون رسول اکرم (ص) رحلت فرمودند و این با حفظ سازگاری ندارد.

**قلت:** حفظ رسول منحصر در این نیست که از مرگ یا مرض حفظ شود بلکه احتمال دارد منظور از حفظ رسول این باشد که خداوند متعال می‌فرماید: رسول اکرم (ص) را به عنوان آخرین پیامبر و رسول حفظ خواهیم کرد یا منظور این است که هدایت رسول خدا (ص) تا روز قیامت محفوظ خواهد بود پس منظور از حفظ، فقط حفظ جسمی رسول خدا (ص) نیست که گفته شود با رحلت ایشان این حفظ معنی نخواهد داشت بلکه احتمال دارد منظور از حفظ، حفظ یاد و نام و مکتب ایشان باشد که هنوز در بین مردم زنده هستند.

#### **پاسخ:**

به نظر می‌رسد این اشکال به آیه شریفه وارد نباشد و این احتمال اساساً مردود است چون منظور از «ذکر» در این آیه شریفه قطعاً قرآن است و تأکید می‌کنیم تنزیل در مورد رسول خدا (ص) اساساً معنی ندارد؛ چون تنزیل متناسب با امور آسمانی است، نازل کردن به این معنی است که یک امر آسمانی بر بشر نازل شود که این امر در مورد کتاب، ملائکه، برکات، عذاب آسمانی و امثال آن معنی دارد اما در مورد شخص و انسان که پیامبر (ص) باشد معنی ندارد که خداوند متعال بگوید من این شخص را نازل کردم.

۱. مائده/۶۷.

۲. فصل الخطاب، ص ۲۳۶.

اما در مورد آیه‌ای که حاجی نوری در پاسخ به آن قلت به آن اشاره کرد عرض می‌کنیم این آیه در واقع جزء آخر یک آیه و جزء اول یک آیه دیگر است یعنی در اینجا ما در واقع دو آیه داریم که عبارتند از: «قد انزل الله اليكم ذكراً»<sup>۱</sup> و «رسولاً يتلوا عليكم آيات الله»<sup>۲</sup> که «ذکراً» در آخر آیه اول و «رسولاً» در ابتدای آیه بعدی آمده است و این دو آیه مستقل از یکدیگرند ولی حاجی نوری این دو آیه را یک آیه قلمداد کرده و «رسولاً» را به دنبال «ذکراً» آورده است و گمان کرده که «رسولاً» عطف بیان برای «ذکراً» می‌باشد در حالی که اصلاً این دو آیه ربطی به هم ندارند.

ممکن است سؤال شود که نصب «رسولاً» به چه دلیل است و اگر «رسولاً» عطف بیان برای «ذکراً» نیست و ادامه آن محسوب نمی‌شود پس دلیل نصب آن چیست؟

در مورد نصب «رسولاً» دو احتمال وجود دارد:

الف) احتمال اول اینکه «رسولاً» مفعول یک فعل محذوف مثل «أرسل» باشد نه اینکه بدل برای «ذکراً» باشد. یعنی گویا خداوند متعال فرموده «أرسل رسولاً يتلوا عليكم آيات الله».

ب) احتمال دوم اینکه «رسولاً» مفعول برای «ذکراً» باشد.

پس این آیه نمی‌تواند دلالت کند بر اینکه منظور از ذکر در اینجا رسول خدا (ص) است.

علاوه بر این بر فرض که منظور از «ذکر» در آیه شریفه «قد انزل الله اليكم ذكراً»، رسول خدا (ص) باشد ولی این دلیل نمی‌شود که منظور از «ذکر» در آیه شریفه «انا نحن نزلنا الذکر» هم، رسول خدا (ص) باشد چون مجموع آیات قبل از این آیه «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ \* لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ \* مَا نُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذًا مُنظَرِينَ»<sup>۳</sup> نشان می‌دهد که منظور از «ذکر» در این آیه شریفه قرآن و کتاب است و اگر به آیات قبلی این آیه دقت شود می‌بینیم که آن آیات مربوط به قرآن است لذا این آیه هم مربوط به قرآن است یعنی در واقع ذکر آیه حفظ بعد از این آیات گویا به عنوان پاسخ از افتراء کسانی است که مدعی بودند مجنون شایستگی ندارد که چیزی بر او نازل شود و او آنها را حفظ کند و خداوند در پاسخ آنها می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»<sup>۴</sup> پس به هر حال خود این آیه قطعاً به قرائن روشن و واضح چه به قرینه آیات قبل و چه به قرینه مضمون خود این آیه دلالت می‌کند بر اینکه منظور از «ذکر» قرآن و کتاب است لذا این احتمال که منظور از «ذکر» رسول خدا (ص) باشد مردود است و این آیه به هیچ وجه از متشابهات نیست لذا اشکال اول به استدلال به این آیه قطعاً وارد نیست.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. طلاق/۱۰.

۲. طلاق/۱۱.

۳. حجر/۸-۶.

۴. حجر/۹.